

معرفی کتاب

آکسفورد، در کتاب حاضر: «مادام که انسان حیوانِ اندیشه ورز و ماجراجو باشد، این موضوع مانند بسیاری موضوعات دیگر همچنان زنده و مطرح خواهد ماند» (ص ۴۳). همواره در اذهان انسانها سئوالاتی از این دست مطرح خواهد بود که: «ماهیت و مقصد دولت چیست؟»، «آیا دولت یک هویت واقعی است که دارای حیات خاص خود است؟»، «آیا دولت لئفسه وجود دارد، یا برای آن است که منافع واقعی یا مفروضی را برای شهروندان یا برخی از شهروندان تأمین کند؟»، «آیا دولت بر اساس حق الهی تأسیس یافته است یا بر اساس قانون طبیعی یا مطلوبیت و یا قرارداد اجتماعی؟»، «آیا قدرتی که دولت بر شهروندان خود دارد، محدودیتی دارد و آیا شهروندان می توانند هرگاه که بخواهند از اطاعت دولت سرباز بزنند، فسخ بیعت کنند یا دست به انقلاب بزنند؟»، «منشأ اقتدار دولت چیست و اصلاً

فلسفه سیاسی

ویراسته آنتونی کولینتن
ترجمه دکتر مرتضی اسعدی

نشر به آور، ۱۳۷۴،
۳۳۹ صفحه.

در باب اوج و حسیضهای فلسفه سیاسی یا انحلال بخشهایی از موضوعات و مسائل آن در فلسفه اخلاق، تاریخ، جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی و غیرآن بسیار سخن گفته‌اند و حتی از «مرگ و زوال فلسفه سیاسی»؛ اما به تعبیر جان پلامانتس، استاد دانشگاه



ای.اف. کاریت؛ فصل هشتم: دو مفهوم از آزادی به قلم سرآیزایا برلین؛ فصل نهم: دو مفهوم از دموکراسی به قلم یوزف شومپتر؛ فصل دهم: عدالت و خیر عمومی به قلم بریان باری؛ مختصری درباره نویسندگان؛ کتابشناسی تفصیلی و توصیفی، و فهرست اعلام.

این کتاب یکی از ۲۶ کتابی است که دانشگاه آکسفورد در حوزه‌های مختلف فلسفی، تحت عنوان برگزیده‌های فلسفی آکسفورد منتشر کرده است. دانشگاه آکسفورد از حیث عنایت به فلسفه سیاسی نیز همچون برخی جنبه‌های دیگر در میان دانشگاه‌های غرب ممتاز است و به تعبیر جان پلاماتس، «بیشتر و پیشتر از هر جای دیگری در جهان انگلیسی زبان به نظریه سیاسی یا فلسفه سیاسی اعتنا داشته است» (ص ۴۳).

متن اصلی کتاب حاضر، اول بار در سال ۱۹۶۷ به چاپ رسید و تا سال ۱۹۹۱ نیز ده بار تجدید چاپ شده است. مقالاتی که فصول این کتاب را تشکیل می‌دهند پیشتر به تفاریق در مجلات تخصصی مختلف غرب به چاپ رسیده و هر کدام به لحاظ برجستگی و اهمیتی که داشته‌اند برای درج این کتاب انتخاب شده‌اند. در مجموع این کتاب با ترجمه فارسی روان و استواری که از آن صورت گرفته، از معدود آثار جدی دانشگاهی است که در این زمینه انتشار یافته است.

چرا باید از دولت اطاعت کرد؟». این سؤال اخیر شاید اساسترین سؤال در سنت فلسفه سیاسی بوده است. به تعبیر دیگر، مسائل سنتی فلسفه سیاسی عبارت بوده‌اند از ماهیت و وجه یا توجیه الزام سیاسی و اقتدار. مهمترین مفاهیمی که در این سنت فکری مطرح بوده عبارتند از: «حاکمیت»، «اقتدار»، «آزادی»، «عدالت»، «حق و حق طبیعی»، «برابری»، و «الزام سیاسی».

آنتونی کوبینتن، ویراستار کتاب حاضر که از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷ ریاست ترینی کالج آکسفورد را بر عهده داشته و در دانشگاه‌های امریکا نیز تدریس کرده است، در این کتاب مقالات ممتازی را درباره مفاهیم مزبور از میان نوشته‌ها و آثار صاحب نظران صاحب نام این رشته، طی ده فصل فراهم آورده و خود نیز در مقدمه‌ای جامع به تفتیح مناط در روش‌شناسی فلسفه سیاسی برآمده است. این کتاب حاوی این فصول و مطالب است: پیشگفتار مترجم؛ مقدمه ویراستار؛ فصل اول: کاربرد نظریه سیاسی به قلم جان پلاماتس؛ فصل دوم: سیاست، فلسفه، ایدئولوژی به قلم پی.اچ. پارتیج؛

فصل سوم: آیا هیچ گونه حق طبیعی‌ای وجود دارد؟ به قلم اچ.ال.ای - هارت؛

فصل چهارم: کاربردهای حاکمیت به قلم استانی بن؛ فصل پنجم: اقتدار (۱) به قلم آر. اس. پترز، و اقتدار (۲) به قلم پیتر وینچ؛ فصل ششم: مصلحت عمومی به قلم بریان باری؛ فصل هفتم: آزادی و برابری به قلم

مسائل اقتصادی ایران با اتکا بر حوزه گسترده‌ای از شناخت، و دستیابی به ادراکی مطابق با واقع در مورد این مسائل.

نویسنده این مجموعه مقالات فرشاد مومنی، مدرس توسعه و اقتصاد ایران در دانشگاه علامه طباطبائی (ره) و از منتقدان تئوریهای سنتی اقتصاد است. وی این موضع را در سالهای اخیر در انتقاد از سیاستهای برنامه تعدیل ساختاری نشان داده است.

مومنی در مقدمه نسبتاً طولانی خود پس از تقسیم کشورها به دو دسته توسعه یافته و توسعه نیافته، ادعا می‌کند که ریشه اصلی توسعه نیافتگی کشورهای در حال توسعه، مشکلات فکری است، نه مشکلات مادی. از این رو، هدف اصلی خود را از نگارش مقالات کتاب، اثبات این ادعا در حوزه‌های مختلف اقتصادی عنوان می‌کند.

عنوان اولین مقاله «مفهوم متحول توسعه» است که در آن نویسنده با بررسی تاریخی مفهوم توسعه به ویژه در نیم قرن اخیر، عدم دستیابی نخبگان و رهبران کشورهای در حال توسعه را به یک استنباط ثابت و مشترک از توسعه به عنوان دلیلی بر بحران در مفهوم توسعه ذکر می‌کند و سپس با بیان چهار دسته واکنش فرهنگی، متدولوژیک، سیاسی-اجتماعی و واکنشهای ناظر بر تجربیات تاریخی، ضرورت توجه به جنبه‌های ایدئولوژیک و آرمانی مفهوم توسعه را یادآوری کرده و در پایان نیز با طرح تجربه برنامه اول توسعه در ایران، عدم توجه

علم اقتصاد و بحران در اقتصاد ایران

فرشاد مومنی

مؤسسه تحقیقات اقتصادی
دانشگاه تربیت مدرس،
۱۳۶۴؛ ۱۹۶ صفحه.

علم اقتصاد و بحران در اقتصاد ایران عنوان جدیدترین اثر در ادبیات انتقادی توسعه و مشتمل بر ۸ مقاله است. علی‌رغم پراکندگی ظاهری موضوعات، در بررسی عمیق این مقالات می‌توان دریافت که همه آنها با چند رشته فکری اصلی به سختی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. این رشته‌ها عبارتند از:

الف) اعتقاد به وجود بحران در علم اقتصاد و اقتصاد توسعه در ایران،

ب) اولویت آرمان استقلال بر آرمان توسعه در کشورهای عقب مانده و از جمله ایران،

ج) عدم کارایی تئوریهای سنتی علم اقتصاد در حل مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه،

د) ضرورت تدوین تئوریه‌ها و راه‌حلهای



وابستگی آفرین از برای کشورهای در حال توسعه) برخوردارند. در بخش بعدی این مقاله استقلال اقتصادی به عنوان یک واجب عینی برشمرده می‌شود که قانون اساسی و تعلیمات اجتماعی اسلام نیز بر آن تأکید فراوان کرده است.

در چهارمین مقاله که «علم اقتصاد و بحران در اقتصاد ایران» نام دارد و در فصلنامه دانشگاه انقلاب - ویژه بررسی علم اقتصاد در ایران - به چاپ رسیده است، با تأکید بر خصلت انتزاعی و غیر تاریخی بودن تئوریهای سنتی علم اقتصاد، مدعی است که بسیاری از بحرانها و مشکلات اقتصادی کشور را می‌توان با انتقال دانش سنتی اقتصاد از مجاری آموزشی به دانش پژوهان این رشته نشان داد. به اعتقاد وی خصلت انتزاعی و غیرتاریخی در تفکر همه دانشجویان، اساتید و سیاستگذاران اقتصادی کشور به شدت رسوخ داشته و نتیجه آن بی‌توجهی به عوامل مهم و تأثیرگذار بر متغیرهای اقتصادی است. سپس با یادآوری ضرورت تجدیدنظر در فروض و روش اقتصاد سنتی سه ضرورت مهم را برای تغییر کارکرد علم اقتصاد در ایران پیشنهاد می‌کند. این سه ضرورت عبارتند از: آموزش انتقادی، توسل به جامعه‌شناسی و توسل به تاریخ.

پنجمین مقاله که جدیدترین مقاله کتاب نیز هست، بر اساس گزارشی نوشته شده است که در سلسله مباحث بررسی مسائل اقتصاد ایران (اردیبهشت ۱۳۷۴) در دانشکده

به این تجربیات تاریخی را منشأ تکرار بسیاری از اشتباهات نیم قرن اخیر در کشورهای در حال توسعه دانسته است.

در مقاله دوم با عنوان «تفکر استقلالی پیش شرط برنامه‌ریزی توسعه» که در اولین سمینار بازسازی اقتصادی ایران در ۱۳۶۸ ارائه شده است، مؤمنی تلاش می‌کند که اولین سالهای پس از پایان جنگ و مرحله تدوین برنامه توسعه، استقلال را مهمترین اولویت در اهداف اقتصادی کشور معرفی کند و با یادآوری این نکته که هنوز درک روشنی از این آرمان مهم وجود ندارد، ضرورت تبیین دقیق و همه جانبه مفهوم استقلال را به ویژه برای برنامه‌ریزان توسعه کشور اجتناب‌ناپذیر می‌شمارد.

مقاله سوم که تأکیدی دوباره بر آرمان استقلال است، «استقلال اقتصادی، اهمیت استراتژیک و آرمانی» نام دارد و در اولین شماره فصلنامه پژوهشهای اقتصادی به چاپ رسیده است. در این مقاله، نویسنده تلاش می‌کند با ارائه ادله عینی و تاریخی نشان دهد که تئوریهای سنتی اقتصاد از دستیابی به آرمان استقلال عاجزند و پذیرش و به کارگیری آنها برای کشورهای در حال توسعه، عواقب سوئی به دنبال دارد که کمترین آنها، تعمیق وابستگی و آسیب‌پذیری اقتصادی آنهاست. وی با قاطعیت، ادعای بیطرفی تئوریهای اقتصادی را نفی کرده، ادعا می‌کند که این تئوریا از خصلت کاملاً ایدئولوژیک (از سوی طراحان آنها- و

معرفی می‌کند. وی در این مقاله و نیز در آخرین مقاله کتاب تأثیرپذیری فراوان خود را از نظریات مکتب تاریخی آلمان و به طور مشخص «فردریک لیست» نشان می‌دهد و نه فقط این تأثیرپذیری را پنهان نمی‌کند، بلکه در موارد متعدد به این نظریات استناد کرده، پیروی از آن را برای اقتصادهای کوچک و عقب مانده و از جمله ایران توصیه می‌کند.

هفتمین مقاله کتاب به وضعیت منابع انسانی در ایران توجه کرده است. در این مقاله، ابتدا به یک بررسی تاریخی از جایگاه سرمایه انسانی در غرب و نقش آن در توسعه کشورهای پیشرفته می‌پردازد و سپس با نگاهی به ایران، وضعیت ناخوشایند این منابع و برخورد غیرمنطقی با سرمایه‌های انسانی را به ویژه در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری مذمت کرده، آن را منشأ خسارتهای فراوان به اقتصاد کشور می‌داند. عنوان هشتمین و آخرین مقاله کتاب که شش سال از نگارش آن می‌گذرد، «اقتصاد ملی و تجارت آزاد» است. مؤمنی در مقدمه کتاب گفته است: این مقاله را زمانی نوشته که زمزمه‌های مبتنی بر آزادسازی تجارت خارجی و حضور گسترده در بازارهای جهانی بعد از پایان جنگ و با آغاز اجرای برنامه تعدیل به گوش رسیده است. وی در آن زمان ضرورت حمایت از صنایع نوزاد و جلوگیری از واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، به ویژه کالاهای لوکس و غیرضروری را مؤکداً

اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی ایراد گردیده است. عنوان این مقاله، «صورت و محتوای مسائل اقتصادی ایران» است. در این مقاله مؤمنی با تشریح مفاهیم ساختار (structure) و کارکرد (function) در علوم اجتماعی، تلاش می‌کند با ذکر نمونه‌هایی از اقتصاد ایران نشان دهد که الزاماً بین این دو، رابطه یک به یک وجود ندارد. بر خلاف تصور سیاستگذاران اقتصاد ایران که در آموزشهای اقتصاد سنتی ریشه دارد، الزاماً ساختارهای اقتصادی موجود کارکردهای مورد انتظار را ندارند و به این علت، دستیابی به ادراکی مطابق با واقع و ثبت و ضبط دقیق و شناخت همه جانبه کارکردهای اقتصادی برای حل مسائل اقتصاد ایران یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

مقاله ششم به مشکلات فکری «صادرات غیرنفتی ایران» می‌پردازد و برای ارائه در دومین سمینار توسعه صادرات غیرنفتی (در سال ۱۳۶۹) تهیه شده است. در این مقاله مؤمنی تلاش می‌کند عدم تحقق فروض تئوریک سنتی در تجارت بین‌الملل و از جمله فرض همگنی طرفین را رد کرده، ادغام در نظام بین‌المللی را حرکتی خطرناک برای اقتصادهای کوچک و عقب مانده معرفی کند که نتیجه آن وابستگی روزافزون و تضعیف رابطه مبادله به زیان این کشورهاست. مؤمنی در این مقاله، بی‌توجهی به موارد مطرح شده را سرچشمه خسارتهای فراوان به اقتصاد کشور طی سالهای اخیر

مجموعه فوق‌گرفته از نمونه‌های انگشت‌شمار در نوع خود - ادبیات انتقادی توسعه - است، از یک سو درخور تقدیر و از سوی دیگر قابل نقد و بررسی است. امید است کارشناسان اقتصاد و توسعه کشور با جدی گرفتن ضرورت نقادی، نویسنده را در شناخت ضعفها و نادیده‌های فکری‌اش یاری کنند.

توصیه کرده و خسارتهای اقتصادی مترتب بر سیاست آزادسازی واردات را گوشزد کرده است؛ امری که سالها بعد، یعنی یک سال پیش از انتشار عمومی این مقاله، توسط گروهی از دانشجویان مطرح شد و پس از آن دولت و مجلس به اتخاذ راههایی قانونی برای جلوگیری از خسارتهای بیشتر اقدام کردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی